

چالش‌های فقهی- حقوقی

مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده

فرج‌الله هدایت‌نیا*

چکیده

سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران، تأسیس و تقویت مشاوره‌های تخصصی است. بر این اساس، قانون حمایت خانواده قوه قضائیه را مکلف نمود، مراکز مشاوره را در معیت دادگاه‌های خانواده ایجاد نماید. قانون همچنین ارجاع دعاوی طلاق توافقی به مراکز مشاوره را برای دادگاه الزامی نموده است. فلسفه این الزام قانونی، تحکیم خانواده، پیشگیری از طلاق و ایجاد صلح و سازش است. افزون بر کارکرد اصلاحی، قانون‌گذار مأموریت‌های مهم دیگری مانند اظهارنظر کارشناسی پیرامون علت‌ها و ماهیت دعاوی خانواده، مددکاری اجتماعی و خدمات درمانی را بر عهده مراکز مشاوره خانواده قرار داده است. این نوشتار به روش توصیفی- تحلیلی، مبانی فقهی الزام به مشاوره و همچنین، ظرفیت‌های ساختاری مراکز مشاوره در تحقق کارکردهای قانونی را موردبررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته است که الزام متقاضیان طلاق توافقی به مشاوره به صورت مطلق برخلاف مصلحت خانواده و ناسازگار با موازین شرعی است. همچنین معلوم شد که شرایط علمی، تجربی و صلاحیت‌های اخلاقی کارشناسان مراکز مشاوره و همچنین ماهیت غیر اختیاری مشاوره و غیرانتخابی کارشناسان، با کارکردهای قانونی آن تناسب ندارد و به همین دلیل، مراکز مشاوره فاقد کارایی لازم در تحقق اهداف قانون‌گذار می‌باشند.

واژگان کلیدی

مراکز مشاوره، دادگاه خانواده، طلاق توافقی، تحکیم خانواده، قانون حمایت خانواده، پیشگیری از طلاق.

۱- مقدمه و طرح مسئله

سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران، تأسیس و تقویت مشاوره‌های تخصصی، با هدف تحکیم بنیان خانواده و پیشگیری از طلاق است. در اسناد و سیاست‌های کلی کشور مانند سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳)، سیاست‌های کلی خانواده (۱۳۹۵)، مصوبه اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن (۱۳۸۴) و سند نقشه مهندسی فرهنگی (۱۳۹۲)، بر توسعه مشاوره خانواده تأکید شده است. همچنین در قوانین اجرایی کشور مانند قانون برنامه ششم توسعه (م ۱۳۹۵) بر مشاوره مستمر خانواده‌ها قبل، حین و دست‌کم پنج سال پس از ازدواج تأکید و آن را تکلیف دستگاه‌های مختلف دولتی شمرده است. افزون بر همه این‌ها، قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱) قوه قضائیه را مکلف نمود مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده را ایجاد نماید.

در این پژوهش، موضوع ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده و چالش‌های فقهی- حقوقی «مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده» مورد مطالعه قرار گرفته است. مطابق این قانون، «به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، قوه قضائیه موظف است ظرف سه سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاه‌های خانواده ایجاد کند». علی‌رغم تأکید قانون فوق بر تشکیل مراکز مشاوره و تعیین فرجه سه‌ساله برای آن، قوه قضائیه تاکنون موفق به اجرای قانون و تشکیل مراکز فوق نشده است. ظاهراً دلیل عدم اجرای قانون، فراهم نبودن زمینه اجرای آن بوده است. در این سال‌ها، قوه قضائیه، نیاز خود به مشاوران خانواده را در پرونده‌های طلاق را از طریق مراکز مشاوره سازمان بهزیستی تأمین کرده است. مطابق تبصره ماده ۱۶ قانون مذکور، «در مناطقی که مراکز مشاوره خانواده وابسته به سازمان بهزیستی وجود دارد، دادگاه‌ها می‌توانند از ظرفیت این مراکز نیز استفاده کنند». در هر صورت، آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۳ و دستورالعمل نحوه تشکیل و فعالیت مراکز مشاوره خانواده در سال ۱۳۹۶ به تصویب رسید و سرانجام با تأخیر فراوان، قوه قضائیه در حال اجرای قانون و هم‌اکنون در حال جذب و آموزش کارشناسان مراکز مشاوره می‌باشد. مرکز مشاوره دادگاه‌های خانواده، نهادی نوپا در حقوق ایران است؛ به همین دلیل، مسائل نظری آن به خوبی تبیین نگردیده است. مقالات محدودی پیرامون بعضی مسائل فقهی یا حقوقی مشاوره خانواده منتشر شده است؛ نظیر مقالات: بابایی و انصاری (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی و نقش مراکز مشاوره‌ی خانوادگی در حقوق ایران با لحاظ قانون جدید حمایت خانواده»؛ هدایت نیا (۱۳۹۵) با عنوان «طرح تلفیق داوری و مشاوره در دادگاه خانواده» و پایان‌نامه سطح ۳ حوزه توسط حسینی خواه با عنوان «ساختار و کارکرد مراکز مشاوره خانواده در قانون حمایت از خانواده»

(۱۳۹۱) و نیز پایان‌نامه کارشناسی ارشد مجتبی شکری (۱۳۹۰) با عنوان «مسئولیت مدنی ناشی از مشاوره‌های زیان‌بار روان‌شناسان» که نمونه‌ای از این موارد است. آنچه پژوهش کنونی را ضروری می‌نماید «چالش‌های فقهی - حقوقی مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده» است. این مسئله مهم در پژوهش‌های کنونی مورد بررسی قرار نگرفته است. این نوشتار با تمرکز بر دو چالش «مشروعیت» و «کارآمدی» این مراکز، چالش‌های فقهی و حقوقی آن را مورد کنکاش قرار می‌دهد:

۱). قانون حمایت خانواده، مشاوره را برای دعای طلاق توافقی، اجباری ساخته است. پرسش قابل بررسی این است: آیا الزام به مشاوره به صورت کلی (بدون استثناء) و تحمیل هزینه آن به مراجعان، به لحاظ فقهی مشروع است؟

۲). دستورالعمل نحوه تشکیل و فعالیت مراکز مشاوره خانواده، «داشتن حداقل مدرک کارشناسی از دانشکده‌های معتبر داخلی یا خارجی» را برای اعضای مراکز مشاوره خانواده کافی شمرده است. آیا دارندگان مدرک کارشناسی، از توانایی لازم برای تحقق مأموریت‌ها و کارکردهای مراکز مذکور برخوردارند؟ آیا پنج سال سابقه کار و سه ماه کارآموزی علمی و عملی، ضعف بنیه علمی کارشناسان مراکز مشاوره را جبران می‌نماید؟

برای بررسی و ارزیابی چالش‌های مذکور و ارائه راهکارهای پیشنهادی، مباحث این نوشتار در دو قسمت سامان می‌یابد. نخست مبنای فقهی الزام به مشاوره و سپس، علت‌های بد کارکردی مراکز مذکور بررسی می‌شود.

۱- چالش مشروعیت الزام به مشاوره در دادگاه‌های خانواده

مطابق ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده، «در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه باید موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد...». از سوی دیگر، مطابق ماده ۵۹ دستورالعمل نحوه تشکیل و فعالیت مراکز مشاوره خانواده، هزینه مشاوره از مراجعین دریافت می‌گردد. حال پرسش ما این است: مبنای فقهی الزام به مشاوره به صورت کلی (بدو استثناء) و تحمیل هزینه آن به مراجعان چیست؟ این پرسش از این جهت مطرح می‌گردد که خانواده یک نهاد خصوصی است و وقتی دو نفر بر ازدواج یا طلاق، توافق داشته باشند، قانون‌گذار باید به توافق آنان احترام بگذارد و از آن حمایت کند؛ نه اینکه از آن جلوگیری کرده و طرفین را به مشاوره پیش از ازدواج یا طلاق الزام نماید؟ برای بررسی مسئله، لازم است حکم مشورت خواهی و مبنای الزام به آن را از منظر فقهی مورد مطالعه قرار گیرد.

۱-۱- ماهیت استحبابی مشورت خواهی در فقه اسلامی

۱-۱-۱- مروری بر ادله مشورت خواهی

آیاتی از قرآن کریم بر لزوم مشورت خواهی دلالت دارند. خدای متعال پیامبرش را به مشورت با مسلمانان مأمور ساخته است: «...و شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ...»؛ (آل عمران: ۱۵۹). نیز در بیان برخی اوصاف مؤمنان فرموده است: آنان کسانی‌اند که کارهایشان با مشورت یکدیگر است: «...وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»؛ (شوری: ۳۸). روایات فراوانی نیز درباره اهمیت مشاوره و ضرورت آن وارد شده است. بعضی فقها، روایات مشورت را فراتر از تواتر شمرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۴۹۳) از رسول گرامی اسلام (ص) روایات است که فرمود: «هیچ مردی نیست که با کسی مشورت کند، مگر آن که به راه درست (حل مشکل خود) رهنمون شود»؛ (طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۹، ص ۵۱). نیز فرمود: «احتیاط و دوراندیشی آن است که با صاحب نظر مشورت کنی و به نظر او عمل نمایی»؛ (دیلمی، ۱۴۰۸: ۲۹۴) از امام علی (ع) نیز روایات متعددی درباره اهمیت مشاوره وارده شده است؛ از جمله: «هر کس با عقلا مشورت کند، از نور عقل‌ها بهره می‌برد»؛ (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۲) و «هر کس در او سه صفت باشد، پشیمان نمی‌شود: خودداری از شتاب‌زدگی، مشورت کردن و توکل بر خدای متعال»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ص ۸۱) از سایر امامان شیعه نیز احادیثی درباره لزوم مشورت و آثار تربیتی آن نقل شده است که از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود.

سیره عقلای عالم از گذشته تاکنون، رجوع به خبره در امور مهم و پیچیده است. مهم‌ترین دلیل عقلی بودن اصل رجوع به خبره این است که مردم دنیا از هر دین و آیینی، به این اصل در زندگی خود پایبند هستند و در حقیقت این یک اصل فرا دینی است. اسلام نیز بر اصل رجوع به خبره مهر تأیید زده است: «اگر نمی‌دانید، پس از آگاهان بپرسید»؛ (نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷). «اهل ذکر» مفهوم وسیعی دارد که همه آگاهان را در زمینه‌های مختلف شامل می‌شود. تطبیق اهل ذکر در منابع تفسیری یا روایی به علمای اهل کتاب (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۲۲ ص ۲۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۱۴، ص ۷۵) یا اهل بیت (ع) (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۳۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۱۰) از قبیل تطبیق کلی بر مصداق است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ص ۲۴۱) به همین دلیل، برای اثبات لزوم تقلید مردم از فقیهان به آیه فوق استدلال شده است (مجاهد طباطبایی حائری، ۱۲۹۶: ۵۹۴) زیرا فقیهان، کارشناسان دینی هستند و تقلید از آنان نیز مصداقی از اصل رجوع به خبره است. مفسر بزرگ قرآن مرحوم علامه طباطبایی (ره) درباره جمله «فَسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» نوشته‌اند: آیه فوق به یک اصل عمومی عقلایی

یعنی اصل «رجوع جاهل به خبره» ارشاد می‌کند و مضمون آن حکم تبعیدی نیست؛ و امر جاهل به سؤال از عالم یا خصوص اهل ذکر، امر مولوی تشریحی نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۲، ص ۲۵۹).

۱-۱-۲- تبیین ماهیت حکم مشورت خواهی

می‌دانیم که احکام تکلیفی شرعی به پنج نوع شامل: وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه تقسیم می‌شوند. از منظر فقه و حقوق عمومی، مشورت بر زمامدار مسلمین واجب است. فعل «شاور» در آیه شریفه «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» به صیغه «امر» است و امر ظاهر در وجوب است (صدر، ۱۴۲۰: ج ۶، ص ۸۷). در امور حکمرانی مشورت با مردم موضوعیت دارد؛ زیرا باعث جلب دل‌های مؤمنان و همراهی آنان با والی در امور است (اراکي، ۱۴۲۵: ۳۷۲). به همین دلیل، بعضی فقها مشورت فقیه حاکم با کارشناسان را از «وجب واجبات» شمرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۴۹۴).

اگر بخواهیم به‌ظاهر روایات مشورت عمل کنیم، باید به وجوب مشورت در همه امور ملتزم شویم؛ ولی باید توجه داشت که در امور شخصی، مشورت موضوعیت ندارد و ارزش آن طریقی و برای کشف حقیقت و رسیدن به‌واقع است. بر این اساس، در صورتی که پی بردن به حقیقت و آگاهی از روش صحیح حل مسئله، متوقف بر مشورت باشد، در وجوب آن نباید تردید کرد؛ زیرا فراگیری حکم هر عملی که از مکلف صادر می‌گردد واجب است؛ اعم از اینکه از عبادات باشد، یا از معاملات یا اعمال عادی (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۱۱)؛ اما اگر راه‌های رسیدن به حقیقت یا اطلاع از حکم عمل موردنظر، متنوع باشد، مشورت واجب نخواهد بود. مثل اینکه انسان از طریق مطالعه به آگاهی موردنیاز دست یابد. در این صورت دلیلی بر وجوب مشورت نخواهد بود. بعضی فقها به استحباب مشورت در اسلام به‌صورت کلی و در همه امور تصریح کرده و نوشته‌اند: «سزاوار است انسان با شخص خردمند صاحب‌رای مشورت نماید»؛ (سبزواری، ۱۴۱۳: ج ۱۵، ص ۳۰۸).

۲-۱- مبنای فقهی مشاوره الزامی در حقوق خانواده

در بخش قبل مشخص شد که مشورت در امور شخصی زندگی مردم، مستحب است و در شرایط عادی واجب نیست اما مبنای الزام به مشاوره در نظام قانون‌گذاری ایران چیست؟ در پاسخ این پرسش به دو مبنای متفاوت «ضرورت» و «مصلحت» را می‌توان اشاره کرد.

۱-۲-۱- مبنای ضرورت مشاوره

ضرورت یک عنوان ثانوی است و باعث تغییر احکام اولی شرعی می‌گردد. برای تشریح این مطلب، نخست مفهوم عناوین ثانوی و تأثیر آن در دگرگونی احکام شرعی و سپس مفهوم و ماهیت ثانوی ضرورت و نقش آن در قانون‌گذاری اشاره خواهد شد.

الف. احکام شرعی به دو نوع «اولی» و «ثانوی» تقسیم می‌شود. مطابق تعریف مشهور، حکم اولی برای ذات شیء وضع شده است، بدون لحاظ آنچه بر آن شیء عارض می‌شود (حکیم، ۱۴۱۸: ۷۳). در مقابل، حکم ثانوی برای شیء وضع می‌گردد، به لحاظ عناوین خاصه‌ای که بر آن عارض و مقتضی تغییر حکم اولی آن شده است (همان). مطابق تعریف، حکمی ثانوی در شرایط خاصی جانشین حکم اولی می‌گردد. نظیر حکم مذکور در آیه ۱۷۳ سوره بقره درباره حرمت خوردن گوشت مردار که در حالت اضطرار حلال می‌گردد؛^۱ و نظیر طلاق حاکم که با فرض ضرر یا حرجی بودن رابطه زوجیت، جایگزین اراده زوج می‌شود (طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۷۵). بدین ترتیب، شارع مقدس برای فعل واحد دو حکم واقعی مختلف جعل کرده است: یکی از این دو، حکم اولی برای شرایط عادی و دیگری حکم ثانوی برای شرایط اضطراری، ضرری یا حرجی است.

ب. از نظر لغوی، واژه‌های ضرورت و اضطرار هم‌خانواده بوده و هر دو از کلمه «ضرر» مشتق شده‌اند. تفاوت میان این دو در آن است که «اضطرار» مصدر باب افتعال و «ضرورت» اسم مصدر آن است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۷، ص ۷). در هر دو واژه، مفهوم احتیاج و نیاز نهفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۸۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۳۴۹؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۱۵) و با توجه به معنای باب افتعال، ضرورت و اضطرار به حالتی اطلاق می‌شود که شخص در حال تحمل ضرر است. ضرورت و اضطرار به حالت سوئی گفته می‌شود که شخص در آن حالت، یک نیازمند در مانده و بی‌چاره است و نمی‌تواند ضرر را از خود دفع نماید (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۷۲۰)؛ بنابراین، اضطرار و ضرورت، اخص از حاجت است (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲۹، ص ۸۸). ضرورت و اضطرار از عناوین ثانویه مشهور نزد فقها است. بیشتر کسانی که از عناوین یا احکام ثانوی بحث کرده‌اند، ضرورت و اضطرار را نیز در ردیف آن آورده‌اند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۲۶؛ بجنوردی، ۱۴۱۹: ج ۳، ص ۱۹۱؛ خوئی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۱۴). از عنوان اضطرار در فقه استفاده فراوانی برده می‌شود که از ذکر نمونه‌های آن خودداری می‌شود (هدایت نیا، ۱۳۹۲: ۸۳).

ج. ممکن است مبنای فقهی الزام به مشاوره در نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، عنوان ثانوی «ضرورت» باشد. با توجه به افزایش آمار طلاق و پیامدهای خانوادگی و اجتماعی آن (هدایت نیا، ۱۴۰۰: ۴۱-۶۵)، قانون‌گذار ناگزیر شده در دعاوی طلاق توافقی، رجوع به مشاوره را الزامی نماید تا از طلاق‌های واهی پیشگیری شود. الزام به داوری در دعاوی طلاق توافقی نیز از باب ضرورت پیشگیری از طلاق‌های واهی است؛ بنابراین، مبنای مشاوره یا داوری اجباری، «ضرورت» است.

۱- «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَنَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أَهَلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

۱-۲-۲- مبنای مصلحت مشاوره

احتمال دیگر در تحلیل فقهی و تشریح مبنای الزام به مشاوره در حقوق خانواده، عنصر «مصلحت» است؛ مانند مبحث سابق، پس از بیان مفهوم مصلحت و تفاوت آن با ضرورت، نقش مصلحت در نظام قانون‌گذاری و تأثیر آن در مبحث کنونی را تشریح خواهیم کرد.

الف. واژه‌شناسان «مصلحت» را به خیر (فیومی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۳۴۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۳۸۶) و صلاح (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۵۱۶) معنی کرده‌اند؛ بنابراین، مصلحت به کاری یا چیزی گفته می‌شود که در آن خیر و صلاح است. در مقابل، به چیزی یا کاری که در آن شر و فساد باشد «مفسده» گفته می‌شود (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۵۱۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۳۳۵). در منابع فقهی، تعاریف مشابهی از مصلحت دیده می‌شود؛ بعضی در تعریف آن نوشته‌اند: مصلحت عبارت است از آنچه که با مقاصد انسان در امور دنیوی یا اخروی یا هر دو، موافق بوده و نتیجه آن به دست آوردن منفعت یا دفع ضرری باشد (محقق حلی، ۱۴۲۳: ۲۲۱). بعضی دیگر، مصالح مردم را به فواید دنیوی و اخروی آنان بازگردانده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۳۴۴). بعضی عالمان اهل سنت، مصلحت را به جلب منفعت معنی کرده‌اند؛ لکن نه منافع دنیوی و مقاصد آدمی بلکه حفظ مقاصد شرع که مهم‌ترین آن حفظ دین، نفس، نسل، عقل و مال انسان‌ها می‌باشد. به گفته آنان، آنچه در جهت حفظ این اصول پنج‌گانه باشد، مصلحت و آنچه موجب تقویت و رها شدن آن‌ها باشد، مفسده نامیده می‌شود (غزالی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۱۷۴).

از آنچه صاحبان اندیشه درباره رابطه دو مفهوم فوق بیان کرده‌اند چنین برمی‌آید که مصلحت اعم از ضرورت است؛ زیرا مصالح بر سه قسم‌اند: ضروریه، مانند نفقه انسان بر خود؛ و حاجیه، مانند نفقه انسان بر همسرش؛ و تمامی، مانند نفقه انسان بر اقارب (شهید اول، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۳۹؛ و نک: غزالی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۱۷۴). از معاصرین نیز اظهارنظرهایی درباره نسبت مصلحت و ضرورت وجود دارد. بعضی نوشته‌اند: «هر امری ضروری، مصلحت است، اما هر امر دارای مصلحت، الزاماً ضروری نیست، مگر آنکه بالقوه ضروری باشد»؛ (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۶۵).

ب. مطابق نظریه ولایت عامه فقیه، قلمرو مداخلات دولت در امور خصوصی از جمله حریم خانواده به موارد ضروری محدود نیست، بلکه تا آنجا که مصالح عمومی اقتضا نماید گسترش می‌یابد. در حقیقت، در نظریه ولایت عامه، عنصر «مصلحت» جایگزین عنصر «ضرورت» می‌شود. مقصود از ولایت عامه فقیه، همسانی اختیارات ولی فقیه در عصر غیبت با اختیارات سیاسی و حکومتی پیامبر (ص) و جانشینان معصوم او است (نراقی، ۱۴۱۷: ۵۳۶؛ امام خمینی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۶۲۶). از «ولایت عامه» در ادبیات سیاسی و حقوقی معاصر به «ولایت مطلقه»

تعبیر شده است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۴۸؛ خاتم یزدی، ۱۳۷۸: ۱۰۰). قانون اساسی نیز در اصل ۵۷ از اصطلاح «ولایت مطلقه» استفاده کرده است.^۱

ج. ممکن است مبنای فقهی الزام به مشاوره در نظام قانون گذاری جمهوری اسلامی ایران، «مصلحت» حفظ بنیان خانواده از طریق پیشگیری از طلاق باشد. با توجه به تفاوت میان ضرورت و مصلحت که بیان شد، معلوم می گردد که دولت اسلامی مجاز است به اقتضای مصلحت عمومی، الزاماتی را در حوزه احکام مختلف شرعی وضع نماید؛ حتی اگر مصلحت مورد نظر به حد ضرورت یا اضطرار نرسیده باشد؛ زیرا در بعضی موارد، مصلحت، ضرورت بالقوه است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۶۵). در بعضی موارد، بی اعتنائی به مصالح، پیامدهای جبران ناپذیری دارد. به تعبیر بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، «مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می گردد»؛ (موسوی خمینی، ۱۳۷۰: ج ۲۰، ص ۱۷۶).

۱-۳- نقد مشاوره الزامی در قانون حمایت خانواده

از آنچه در مبحث نخست بیان شد معلوم گردید که متقاضیان طلاق، به حکم دادگاه ناگزیر خواهند بود جهت صلح و سازش به مراکز مشاوره یا شعب داوری مراجعه نمایند. به دلایلی که در ادامه مباحث تشریح خواهد شد، الزام قانونی به مشاوره (داوری) به صورتی که در قانون آمده است، مشکلات فقهی دارد. نخست مشکلات فقهی مشاوره یا داوری الزامی، تشریح و سپس راهکارهای پیشنهادی نگارنده تبیین می شود.

مطابق ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده، «در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه باید موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد. در این موارد طرفین می توانند تقاضای طلاق توافقی را از ابتدا در مراکز مذکور مطرح کنند. در صورت عدم انصراف متقاضی از طلاق، مرکز مشاوره خانواده موضوع را با مشخص کردن موارد توافق، جهت اتخاذ تصمیم نهائی به دادگاه منعکس می کند». همان طور که مشاهده می شود، قانون فوق، ارجاع دعوای طلاق توافقی را به صورت مطلق و بدون استثناء بر دادگاه ضروری شناخته است و کلمه «باید» در متن قانون صریح در این معنی است.

به نظر نگارنده، الزام به مشاوره نه با مبنای ضرورت، بلکه با مصلحت سازگار است؛ زیرا از نظر شرعی، طلاق امری ناپسند است. از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمودند: «تزد خدای متعال

۱- اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت، بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند».

چیزی مبعوض‌تر از خانه‌ای که با طلاق خراب می‌شود وجود ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۳۲۸). در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده است: «طلاق ندهید که از طلاق عرش به لرزه درمی‌آید» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۲، ص ۹)؛ بنابراین، پیشگیری از طلاق جزء مصالح مهم شرعی است. در نتیجه، اقدام قانون‌گذار در الزام به مشاوره یا داوری قابل دفاع است. با وجود این، اطلاق قانون، محل اشکال است؛ زیرا در بعضی موارد، ارجاع به مشاوره، غیر ضروری بلکه خلاف مصلحت و مفسده‌آمیز است: الف. در بعضی موارد، ارجاع زوجین به مرکز مشاوره غیر ضروری است؛ مانند مواردی که زوجین قبل از مراجعه به دادگاه، به مراکز مشاوره سازمان نظام روان‌شناسی یا بهزیستی مراجعه نموده و سعی کرده‌اند با استفاده از مشاوران این مراکز، مشکلات میان خود را حل کنند، ولی نتیجه‌ای حاصل نگردید است. ناگزیر به دادگاه مراجعه و دادخواست طلاق را به جریان انداخته‌اند. روشن است که الزام این قبیل اشخاص به مرکز مشاوره ضرورتی ندارد و به اتلاف وقت و صرف هزینه مجدد می‌انجامد. همین مطلب درباره داوری‌های پیش‌دادرسی نیز صدق می‌کند. در برخی موارد، خویشان زوجین با ابتکار عمل خودشان، برای رفع اختلاف میان آنان تلاش می‌کنند و به علت عدم امکان سازش، دادخواست طلاق در دادگاه به جریان می‌افتد. در این قبیل موارد نیز الزام به داوری موجه نخواهد بود. دادگاه می‌تواند با حصول اطمینان از انجام مشاوره در مراکز ذی‌صلاح و بی‌نتیجه بودن آن، نسبت به طلاق اقدام نماید.

ب. در بعضی موارد، طلاق برای زوجین فوریت دارد و به تأخیر انداختن آن برخلاف مصلحت بوده و زیان‌بار است. گاهی طلاق به لحاظ فقهی مستحب است؛ مانند وقتی که زوجین در حالت شقاق به سر می‌برند و توافق میان آنان ممکن نیست (علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۱۳۰؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۲، ص ۱۱۶). نیز مانند وقتی که زن عقیف نیست و بیم آن می‌رود که بستر شوهر را فاسد کند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۹، ص ۱۱۹؛ فیض کاشانی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۱۲). به نظر می‌رسد که موارد مذکور در متون فقهی درباره مصادیق طلاق مستحب، تمثیلی است. بر این اساس می‌توان گفت: در همه مواردی که زوجیت کارکرد خود را از دست داده و امیدی به اصلاح میان زوجین نباشد، بهتر است از هم جدا شوند. زوجین در این وضعیت دچار طلاق عاطفی هستند و طولانی شدن این دوره زیان‌بار است. به همین دلیل، اگر امیدی به سازش نیست، بهتر است در فرآیند طلاق شتاب شود. نگارنده معتقد است طلاق عاطفی زیان‌بارتر از طلاق حقوقی است؛ زیرا در طلاق حقوقی، زن و شوهر پس از جدایی، زندگی تازه‌ای را آغاز خواهند کرد. در حالی که در طلاق عاطفی، علقه زوجیت ثابت، ولی روابط جنسی و عاطفی زوجین از بین رفته است. طلاق عاطفی زمینه خشونت و همسر آزاری را افزایش می‌دهد؛ نیز بیم آن می‌رود که زوجین به

روابط فرازنشویی گرایش پیدا کنند. طلاق عاطفی برای بانوان زیان‌بارتر است؛ زیرا آنان مانند مردان نمی‌توانند از طریق اختیار همسر دوم نیازهای خود را به روش مشروع و قانونی تأمین نمایند، به همین دلیل در صورت طولانی شدن وضعیت طلاق عاطفی، بیم آن می‌رود که آنان به گناه آلوده شوند. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، آنان در وضعیت طلاق عاطفی دچار تنگناهای روحی خواهند شد. در این قبیل موارد تسریع در طلاق ضروری است.

ج. مطابق ماده ۴۵ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده، پرداخت هزینه مشاوره مطابق تعرفه، با خواهان و در طلاق‌های توافقی بر عهده زوجین است؛ بنابراین، ارجاع زوجین به مشاوره باعث تحمیل هزینه اقتصادی به آنان خواهد شد. حال سخن در این است: با وجود توافق طرفین بر طلاق و وجود قرائن اطمینان‌آور مبنی بر لزوم طلاق یا تسریع در آن، اجبار به مشاوره برخلاف مصلحت و برخلاف موازین شرعی است.

ممکن است گفته شود: قانون‌گذار مصالح کلی یا نوعی را در نظر می‌گیرد و استثنای احتمالی نادیده گرفته می‌شود. در پاسخ باید بگوییم: این درست که قانون مصالح نوعی و عمومی را لحاظ می‌کند، ولی این بدان معنی نیست که موارد استثنا را نادیده بگیرد. قانون‌گذار به آسانی می‌تواند با افزودن قیودی به متن قانون یا الحاق تبصره‌ای به آن، از تعمیم حکم قانون به موارد استثنا پیشگیری کند. درست مانند تئوری احکام ثانوی در شریعت اسلامی که برای جلوگیری از اجرای حکم کلی در موارد استثنایی است.

۱-۴-۱- راهکارهای پیشنهادی

با توجه به نقدهای مربوط به قانون فعلی که مشاوره را الزامی می‌داند، در حالی که به صورت مطلق برخلاف مصلحت می‌باشد، در ادامه راهکارهای پیشنهادی و جایگزین ارائه شده است:

۱-۴-۱- تقیید اطلاق قانون

همان‌طور که مطرح شد، اطلاق قانون در خصوص لزوم ارجاع دعای طلاق توافقی به مراکز مشاوره، محل اشکال است. پیشنهاد نگارنده برای رفع اشکال مزبور، تقیید اطلاق قانون است. بدین منظور بهتر است تبصره‌ای به شرح زیر به ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده ملحق گردد:

«تبصره: در صورتی که زوجین پیش از دادخواست طلاق توافقی، مشاوره خانواده را گذرانده یا دادگاه آن را غیر ضروری تشخیص دهد، نسبت به صدور گواهی عدم امکان سازش اقدام خواهد کرد.»

۱-۴-۲- التزام قراردادی به مشاوره

پیشنهاد دیگر نگارنده، استفاده از روش «قراردادی» به جای روش «تقنینی» ارجاع دعاوی طلاق به مراکز مشاوره خانواده است. در این روش، متنی به سند ازدواج ملحق می‌گردد یا سند جداگانه‌ای تنظیم می‌شود و زوجین با اطلاع از مفاد آن، ملتزم می‌شوند هرگونه اختلاف در روابط خانوادگی را از طریق مشاوره یا داوری حل و فصل نموده و از پیگیری قضایی آن خودداری کنند. با توجه به لزوم وفای به شرط در فقه و حقوق ایران، زوجین باید به مفاد شرط پایبند باشند و چنانچه یکی از آن‌ها برخلاف شرط رفتار کرده و اختلاف را به دادگاه بکشاند، دادگاه باید از رسیدگی به آن خودداری و وی را به مفاد شرط ملزم نماید همین ایده درباره داوری نیز قابل طرح است که نگارنده آن را در پژوهش جداگانه‌ای تشریح کرده است (هدایت نیا، ۱۳۹۸: ۷-۲۹).

۲- چالش کارکردی مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده

در تعریفی کوتاه، کارآمدی به معنی میزان موفقیت در تحقق اهداف و یا انجام مأموریت‌ها (معینی، ۱۳۷۰: ۲۱۱) و به بیان دیگر، توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده است (آقا بخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۶). مقصود ما از «چالش کارآمدی»، مشکلات ساختاری مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده است که با وجود آن‌ها، تحقق اهداف و مأموریت‌های آن دشوار است. برای ارزیابی کارآمدی مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده، لازم است نخست به اهداف و مأموریت‌ها یا کارکردهای آن اشاره نماییم؛ بنابراین، مباحث این بخش در دو بند دنبال می‌گردد.

۲-۱- کارکردهای مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده

قانون حمایت خانواده برای مراکز مشاوره دادگاه‌ها، کارکردهای متنوعی بیان کرده است: کارکرد اصلاحی، کارشناسی، مددکاری و درمانی. برای پی بردن به اهمیت مراکز مذکور، لازم است به اختصار کارکردهای چهارگانه یا مأموریت‌های مراکز فوق تشریح شود.

۲-۱-۱- اصلاح اختلاف‌های زناشویی

از ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده چنین برمی‌آید که هدف اصلی تشکیل مراکز مشاوره خانواده، «ایجاد صلح و سازش» میان همسران است. در این قانون آمده است: «به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، قوه قضائیه موظف است... مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاه‌های خانواده ایجاد کند». از این ماده چنین برمی‌آید که ایجاد صلح و سازش میان همسران کارکرد اصلی مراکز مشاوره است. ورود مراکز مشاوره خانواده به منظور ایجاد سازش میان همسران، دو مسیر متفاوت دارد:

الف. در صورتی که زن و شوهر مستقیماً به دادگاه مراجعه و دعوی طلاق توافقی را به جریان انداخته باشند، دادگاه باید آن‌ها را به مرکز مشاوره ارجاع دهد (ماده ۲۵ ق.ج.خ). مطابق ماده ۱۹ این قانون، «مراکز مشاوره خانواده...، خواسته‌های دادگاه را در مهلت مقرر اجرا و در موارد مربوط سعی در ایجاد سازش می‌کنند...».

ب. در صورتی که زن و شوهر توافق داشته باشند، از ابتدا می‌توانند تقاضای طلاق توافقی را در مراکز مشاوره مطرح کنند (ماده ۲۵ ق.ج.خ). مطابق تبصره دوم ماده ۳۸ دستورالعمل، «مواردی که متقاضیان طلاق و سایر دعاوی خانواده، در اجرای ماده ۲۵ قانون، مستقیماً به مرکز مشاوره مراجعه می‌کنند، مرکز مشاوره پس از ارائه خدمات مشاوره‌ای، در صورتی که منتج به صلح و سازش شود، با تنظیم صورت جلسه، در سامانه ثبت و پرونده را بایگانی می‌نماید و موارد عدم صلح و سازش را از طریق سامانه به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی یا دادگاه منعکس می‌نماید...».

۲-۱-۲- نظریه‌های کارشناسی

با توجه به پیچیدگی و ماهیت فنی دعاوی خانوادگی در زمان کنونی، در بعضی موارد تشخیص علت اختلاف طرفین بسیار دشوار و نیازمند اظهار نظر روان‌شناسان، روان‌پزشکان و سایر متخصصین است. قانون حمایت خانواده نیز به این موضوع توجه نموده و آن را پیش‌بینی کرده است. ماده ۱۹ قانون حمایت خانواده با اشاره به کارکرد کارشناسی مراکز مشاوره بیان می‌دارد: «...مراکز مذکور در صورت حصول سازش به تنظیم سازش‌نامه مبادرت و در غیر این صورت، نظر کارشناسی خود را در مورد علل و دلایل عدم سازش به‌طور مکتوب و مستدل به دادگاه اعلام می‌کنند». مطابق تبصره این ماده، «دادگاه باملاحظه نظریه کارشناسی مراکز مشاوره خانواده، به تشخیص خود مبادرت به صدور رأی می‌کند».

در مواد ۴۲ و ۴۳ دستورالعمل، فرآیند اظهار نظر کارشناسی مراکز مشاوره برای دادگاه تشریح شده است. برای رعایت اختصار از ذکر این مقررات خودداری می‌شود.

۲-۱-۳- مددکاری اجتماعی

مددکاری اجتماعی یک حرفه کاربردی است که با تکیه بر علوم اجتماعی، علوم انسانی و دانش بومی، افراد و ساختارها را در مقابله با چالش‌های زندگی و ارتقاء رفاه و بهزیستی درگیر می‌کند.^۱ یکی از نوآوری‌های قانون حمایت خانواده جدید، شناسایی نهاد مددکاری در ساختار

1- (<https://www.ifsw.org. 1/4/1400>).

مرکز مشاوره است. مطابق ماده ۱۷ ق.ح.خ، اعضای مراکز مشاوره خانواده از کارشناسان رشته‌های مختلف از جمله مددکاری اجتماعی انتخاب می‌شوند.

بر اساس ماده ۱۱ دستورالعمل، «متقاضیان تأسیس و عضویت در مرکز مشاوره بر اساس نوع مدرک تحصیلی خود در یکی از سه حوزه مشاوره روان‌شناختی، مشاوره حقوقی، مذهبی و خدمات مددکاری اجتماعی ثبت‌نام می‌نمایند و مرکز امور مشاوران، نسبت به برگزاری آزمون مجزا برای این سه گروه اقدام لازم را انجام خواهد داد»؛ بنابراین، «خدمات مددکاری اجتماعی» یکی از سه حوزه مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده است.

۲-۱-۴- درمان اختلال‌های فردی

چهارمین کارکرد مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده، خدمات درمانی است (ماده ۵۳ آیین‌نامه اجرایی ق.ح.خ). به بیماری‌هایی که با تأثیر بر فکر و رفتار بیمار، باعث ایجاد ناراحتی یا ناتوانی در وی می‌شوند، اختلال روانی گفته می‌شود (هالجین، دیتبورن، ۱۳۹۱: ج ۱، ص ۱۶). اختلال‌های خلقی، اضطرابی، روان‌پریشی، اختلال شخصیت و موارد دیگر که شرح آن‌ها خارج از حوصله این نوشتار است، نمونه‌های مختلفی از اختلال‌های روانی هستند. اختلال جنسی^۱ در معنی عام شامل طیفی از نارسایی‌ها می‌گردد که مجموعه آن‌ها در سه دسته کلی کژکاری جنسی^۲، انحراف جنسی^۳، و اختلال هویت جنسی^۴ طبقه‌بندی می‌شود. تشریح مفهوم و مصادیق هریک از انواع اختلال‌های جنسی خارج از موضوع نوشتار کنونی است (Halgin and Krauss, 2014, p. 228). همه انواع اختلال‌های فردی به کاهش رضایت زناشویی و در بسیاری موارد به جدایی منجر می‌شود. به همین دلیل، درمان آن‌ها تأثیر جدی در حل اختلاف‌های زناشویی و استواری پیوندهای خانوادگی دارد. گفتنی است: در رویه کنونی، برای تشخیص اختلال‌های روانی یا جنسی، دادگاه خانواده پرونده را به پزشکی قانونی ارجاع می‌دهد. ولی با توجه به ساختار مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده، این مرجع برای تشخیص نوع اختلال، مناسب‌تر از پزشکی قانونی می‌باشد.

۲-۲- بدکارکردی مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده

در بخش قبل، اهداف و کارکردهای مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده تشریح شد. اینک لازم است ظرفیت ساختاری مراکز مذکور برای تحقق اهداف و کارکردهای پیش‌بینی‌شده ارزیابی

1- Sexual disorder.

2- Sexual Dysfunction.

3- Abnormal Sexual Behavior/ Paraphilia.

4- Gender Identity Disorder.

شود. پیش‌تر اشاره شد که سابقه‌ای از عملکرد مرکز مشاوره وجود ندارد. به همین دلیل، امکان مطالعه میدانی و بررسی کمی کارآمدی و رضایت‌مندی مراجعین از مراکز مذکور وجود ندارد، لذا ارزیابی کارآمدی این مراکز ارائه نخواهد شد. لازم به ذکر است ساختار این مراکز به نحوی است که دستیابی به اهداف و کارکردهای موردنظر دور از انتظار است، در ادامه علل بد کارکردی مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده تشریح می‌شود.

۲-۱-۲- ضعف صلاحیت علمی و اخلاقی نیروهای مشاور

صلاحیت‌های «علمی» و «اخلاقی» اعضای مراکز مشاوره با میانی فقهی آن مطابقت ندارد و بسیار نازل‌تر از حد مورد انتظار است. به همین دلیل، مراکز مشاوره، قادر به تحقق مأموریت‌های محوله نمی‌باشد. به عبارت دیگر، میان مأموریت‌های مراکز مشاوره و ظرفیت‌های ساختاری آن‌ها تناسبی وجود ندارد. از جمله مهم‌ترین دلایل این وضعیت عبارت است از:

۲-۱-۲-۱- آسان‌گیری در شرایط علمی و تجربی مشاوران

الف. از شرایط مهم مشاور، صلاحیت علمی است؛ آن‌چنان‌که مشورت با دشمن عاقل بر دوست جاهل ترجیح دارد (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۲). در روایات اسلامی با تعبیری مانند عاقل (برقی، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۶۰۲) یا دَوَى الْعُقُول (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۲). بر رشد عقلی مشاور تأکید شده است. ریشه مشترک در ماده عقل، تشخیص صلاح و فساد در جریان زندگی مادی و معنوی و کنترل نفس بر آن است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۸، ص ۱۹۴). لازمه عقل خود‌نگهداری، دوراندیشی، خوش‌فهمی و شناخت نیازهای زندگی است (همان). در بعضی روایات به جای عقل، از اصطلاح دَوَى الْأَلْبَاب استفاده شده است (کراجکی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۳۶۷). اصطلاح «ألباب» جمع «لُب» به معنی مغز است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۷۲۹). بعضی آن را به عقل خالص و پاک معنی کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۳۳). در بعضی روایات دیگر از اصطلاح «دَوَى النَّهْي» برای اشاره به شرط عقلی اشاره شده است (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۲۰). کلمه «النَّهْي»، جمع «نَهْيَة»، به معنای عقل یا عقل بازدارنده از زشتی‌ها است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ص ۳۴۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۳۵۹). ویژگی دیگر مشاور در روایات اسلامی علم یا دانش تخصصی است (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۲۰). واژه‌شناسان علم را به درک حقیقت چیزی معنی کرده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۰) و آن را نقیض جهل شمرده‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۱۰۹)؛ بنابراین، مقصود از «علم» صرفاً پاسوادی نیست. انسان برای مشورت در هر امری باید نزد کسی برود که به حقیقت آن چیز آگاه و دانا باشد. این مطلب از تعبیر «دَوَى الرَّأْي» در بعضی روایات باب مشاوره استنباط می‌شود. (برقی،

۱۳۷۰: ج ۲، ص ۶۰۰). صاحب‌رأی یا «صاحب‌نظر» به کسی گفته می‌شود که از صلاحیت علمی اظهارنظر پیرامون موضوع مشورت برخوردار باشد. از سوی دیگر، مشاور باید در کار خود باتجربه باشد (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۲۰). تجربه به معنی سنجش و امتحان است و مجرب به کسی می‌گویند که امور مختلف را آزموده است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۶، ص ۱۱۲)؛ بنابراین، «باتجربه» به شخص کارآزموده و امتحان‌پس داده گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۵، ص ۶۴۴۵).

ب. مطابق بند (ج) ماده ۳۴ آیین‌نامه اجرایی ق.ح.خ، داشتن حداقل مدرک کارشناسی از دانشکده‌های معتبر داخلی یا خارجی یا معادل حوزوی در رشته‌های مطالعات خانواده، مشاوره، روان‌پزشکی، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق، فقه و مبانی حقوق اسلامی و همچنین رشته‌های همسان با تشخیص مرکز امور مشاوران را برای عضویت در مرکز مشاوره کافی شمرده است. همچنین، بند (ب) ماده ۱۳ دستورالعمل، تأهل و داشتن حداقل ۴۰ سال سن و ۵ سال سابقه کار یا ۳۵ سال سن و حداقل ۸ سال سابقه کار مرتبط برای متقاضیان را لازم شمرده است. پس از برگزاری آزمون و تأیید صلاحیت عمومی داوطلبان، آنان باید دوره سه‌ماهه کارآموزی عملی و علمی را جهت کسب تجربه بگذرانند. کارآموزان موظف‌اند طی دو ماه دوره کارآموزی عملی در شعب دادگاه خانواده، نسبت به مطالعه و تهیه گزارش از حداقل ۲۰ پرونده با موضوعات مختلف اقدام نمایند (ماده ۲۲ دستورالعمل). افزون بر این، واحد مشاوره موظف است برای گذراندن دوره یک‌ماهه کارگاه علمی کارآموزان، نسبت به تشکیل کلاس اقدام نماید (ماده ۲۵ دستورالعمل).

از مقایسه شرایط فقهی و حقوقی مذکور با یکدیگر معلوم می‌شود: شرایط کارشناسان مراکز مشاوره در مقررات کنونی با مبانی فقهی مطابق ندارد. در حقیقت، قانون در شرایط علمی جذب مشاوران خانواده آسان‌گیری کرده است؛ زیرا دارا بودن حداقل مدرک کارشناسی نمی‌تواند نشانه و مؤید توانمندی علمی باشد و نمی‌توان به آن‌ها «خبره» یا «کارشناس» اطلاق نمود. ماده ۴ قانون تشکیل سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۲) روان‌شناس و مشاور را این‌گونه تعریف کرده است. مطابق تبصره نخست این ماده، «منظور از روان‌شناس کسی است که در یکی از رشته‌های روان‌شناسی در سطح کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شده باشد». همچنین، مطابق تبصره ۲ این ماده، «منظور از مشاور، کسی است که در یکی از رشته‌ها و گرایش‌های مشاوره خانواده، شغلی، تحصیلی، توان‌بخشی، عمومی و ... در سطح کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شده باشد»؛ بنابراین، از نظر این قانون، به دارندگان مدرک کارشناسی روان‌شناسی یا مشاوره و مانند آن روان‌شناس یا مشاور اطلاق نمی‌شود.

مقررات موجود، داشتن تجربه و سابقه کار و همچنین، شرکت در دوره‌های کارآموزی را برای گزینش کارشناسان مراکز مشاوره خانواده ضروری شناخته است. ولی به نظر نمی‌رسد پنج سال سابقه و شرکت در دوره‌های کوتاه کارآموزی بتواند مشکل مزبور را جبران نماید. با این وضعیت، اعضای مراکز مشاوره خانواده بعید است بتوانند به مأموریت‌های چهارگانه که پیش‌تر اشاره شد به‌خوبی عمل نمایند. به‌عنوان مثال، مطابق بند ۵ تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی «ابتلا زوج به بیماری‌های صعب‌العلاج روانی یا ساری یا هر عارضه صعب‌العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید»، از مصادیق عسر و حرج است. طبیعتاً تشخیص ابتلای زوج به بیماری روانی و صعب‌العلاج یا ساری بودن آن با کارشناسان مراکز مشاوره خانواده است. آیا دارندگان مدرک کارشناسی روان‌شناسی می‌توانند درباره این امور اظهار نظر نمایند و به نظر آنان می‌توان اعتماد کرد؟ ظاهراً دلیل آسان‌گیری در شرایط علمی مشاوران خانواده، کمبود متقاضیان واجد شرایط است. به نظر می‌رسد این مطلب نادرست باشد؛ زیرا جمعیت دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه کشور که اغلب آنان بیکار هستند، بسیار زیاد است. برفرض که چنین باشد، الزام زوجین به مشاوره‌ای که اعضای آن دانش و تجربه کافی ندارند نادرست است.

۲-۲-۱-۲- آسان‌گیری در شرایط اخلاقی مشاوران

الف. شرایط اخلاقی متعددی برای مشاوران خانواده ذکر شده است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها پرهیزکاری یا تقوی است (تستری، ۱۴۲۳: ۵۱). در بعضی روایات باب مشاوره به ویژگی خوف اشاره شده است (حلوانی، ۱۴۰۸: ۱۱۳) و مقصود از آن، ترس از خدا یا عقوبت الهی است. خشیت در بعضی روایات باب مشاوره (واسطی، ۱۳۷۶: ۲۹۸) نیز به معنی ترس شدید است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۸۳)؛ بنابراین بازگشت همه این‌ها به پروای الهی و پرهیزکاری است. ویژگی اخلاقی دیگر مشاوران خیرخواهی یا «نُصح» است (برقی، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۶۰۲). نصح به معنی خلوص است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۶۱۵)؛ از این‌رو به هرگونه خیرخواهی خالصانه و خالی از نیرنگ نصیحت اطلاق شده است. نقیض نُصح، «غش» است (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۱۰۱۳)؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۶۴: ج ۳، ص ۳۶۹). واژه‌شناسان غش را به غیرخالص (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، ص ۱۴۵)، فریب و نیرنگ معنی کرده‌اند. غش در مشاوره به معنی آن است که مشاور در بیان رأی خود صادق نبوده و باعث فریب مراجعین شود. سومین ویژگی مهم اخلاقی مشاوران در روایات اسلامی خوش‌خلقی یا «حسن خلق» است. حسن خلق مفهومی اعم از نرم‌خویی، خوش‌زبانی و گشاده‌رویی است و همه این‌ها جزء وظایف اخلاقی مشاورین است (حرّانی، ۱۴۰۴: ۲۶۹). افزون

بر شرایط مذکور، در روایات اسلامی از مشورت با اشخاص ترسو، حریص، بخیل و دروغ‌گو نهی شده است که از بیان روایات مربوطه خودداری می‌شود.

ب. در قوانین و مقررات، برای مشاوران خانواده، شرایط اخلاقی و اجتماعی متعددی بیان شده است. شرایطی مانند «عدم سوءپیشینه کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی»، «عدم اعتیاد به مواد مخدر و سکرآور به تأیید سازمان پزشکی قانونی»، «نداشتن سوء شهرت و عدم تجاهر به فسق»؛ و «عدم محکومیت به انفصال دائم از خدمات دولتی یا عمومی یا سلب صلاحیت». هرچند مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده، خصوصی محسوب می‌شوند، ولی در معیت دادگاه خانواده و زیر نظر قوه قضائیه ایفای نقش می‌نمایند؛ به همین دلیل شرایطی مانند «تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران»، «انجام خدمت وظیفه عمومی یا معافیت دائم برای آقایان»، «داشتن وثاقت و تعهد به اصل نظام جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی»، «عدم محکومیت به انفصال دائم از خدمات دولتی...» برای مشاوران خانواده ضروری شمرده شد. ج. از مقایسه شرایط اخلاقی فقهی و حقوقی مذکور معلوم می‌شود، شرایط اخلاقی مشاوران در قوانین و مقررات مزبور با شرایط فقهی آن مطابقت ندارد. در میان شرایط اخلاقی مذکور در مقررات کنونی، شرط تقوی یا عدالت دیده نمی‌شود. شرایط اخلاقی مذکور در آیین‌نامه برای مشاوران عبارت است از «عدم سوءپیشینه کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی» و «نداشتن سوء شهرت و عدم تجاهر به فسق» که هیچ‌یک از این عبارات معنای تقوی یا عدالت را نمی‌رساند. ممکن است کسی فاقد سوءپیشینه، فاقد سوء شهرت و غیر متجاهر به فسق باشد، ولی پرهیزکار، خیرخواه و خوش خلق نباشد. در حقیقت، قوانین کنونی مراتب اخلاقی مشاوران را مانند شرایط علمی و تجربی آنان بسیار ضعیف در نظر گرفته است. در این صورت، الزام زوجین به مشاورانی که پرهیزکاری و خیرخواهی آنان احراز نگردید، به مصلحت نمی‌باشد.

۲-۱-۲- ماهیت غیر اختیاری و غیرانتخابی

مشاوره در قانون حمایت خانواده ماهیت «غیر اختیاری» دارد؛ همچنین کارشناسان آن، «غیرانتخابی» هستند. همین دو ویژگی باعث بد کارکردی این نهاد حقوقی نوبا خواهد بود.

۲-۱-۲-۱- مشاوره غیر اختیاری (تحمیلی)

مشاوره در قانون حمایت خانواده، تحمیلی است و زوجین در مراجعه به مراکز مشاوره از خود اختیاری ندارند. مطابق ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده، «در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه باید موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد. در این موارد طرفین می‌توانند

تقاضای طلاق توافقی را از ابتدا در مراکز مذکور مطرح کنند. در صورت عدم انصراف متقاضی از طلاق، مرکز مشاوره خانواده موضوع را با مشخص کردن موارد توافق جهت اتخاذ تصمیم نهائی به دادگاه منعکس می‌کند». همان‌طور که مشاهده می‌شود، قانون فوق، ارجاع دعوای طلاق توافقی را به صورت مطلق و بدون استثناء بر دادگاه ضروری شناخته است و کلمه «باید» در متن قانون تصریح در این معنی است. الزام به مشاوره در طلاق‌های توافقی هیچ استثنائی ندارد. درحالی‌که الزام به مشاوره در تمام انواع طلاق‌های توافقی، منطق قابل قبولی ندارد و از نظر فقهی قابل پذیرش نمی‌باشد. در ادامه ادله آن مطرح می‌شود:

الف. مشاوره بی‌فایده

اشاره شد که مشاوره در مواردی ضروری و واجب می‌باشد و قانون‌گذار می‌تواند آن را الزامی نماید. در بعضی موارد نیز ارجاع زوجین به مراکز مشاوره، غیر ضروری بلکه بی‌فایده است؛ مانند مواردی که زوجین قبل از مراجعه به دادگاه، به مراکز مشاوره سازمان نظام روان‌شناسی یا بهزیستی مراجعه نموده و سعی کرده‌اند با استفاده از مشاوران این مراکز، مشکلات خود را حل و فصل کنند، ولی نتیجه‌ای حاصل نشده است، لذا ناگزیر به دادگاه مراجعه و دادخواست طلاق را به جریان انداخته‌اند. روشن است که الزام این قبیل اشخاص به مراکز مشاوره ضرورتی ندارد و به اتلاف وقت و صرف هزینه زائد می‌انجامد. همین‌مطلب درباره داورهای پیش‌دادرسی نیز صدق می‌کند. در برخی موارد، خویشان زوجین با ابتکار عمل خودشان، برای رفع اختلاف میان زوجین تلاش می‌کنند، اما در نهایت به علت عدم امکان سازش، دادخواست طلاق در دادگاه به جریان می‌افتد. در این قبیل موارد نیز الزام به داوری، موجه نخواهد بود. دادگاه می‌تواند با حصول اطمینان از انجام مشاوره در مراکز ذی‌صلاح و بی‌نتیجه بودن آن، نسبت به طلاق اقدام نماید. مثل اینکه از داورانی که پیش‌تر درباره اختلاف زوجین ورود کرده‌اند دعوت نماید و از آنان علت اختلاف و نتیجه داوری را جویا شود. در صورتی که دادگاه، داوری صورت گرفته را کافی تشخیص دهد، نیازی به ارجاع پرونده به داوری نخواهد بود.

ب. مشاوره زبان‌بار

در بعضی موارد، طلاق برای زوجین فوریت دارد و به تأخیر انداختن آن زبان‌بار است. به لحاظ فقهی گاهی طلاق مستحب است؛ مانند وقتی که زوجین در حالت شقاق به سر می‌برند و توافق میان آنان ممکن نیست.^۱ نیز مانند وقتی که زن عفیف نیست و بیم آن می‌رود که بستر شوهر

۱- حسن بن یوسف حلی، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۳، ص ۱۳۰؛ محمد بن حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۳۲، ص ۱۱۶.

را فاسد کند.^۱ به نظر می‌رسد که موارد مذکور در متون فقهی درباره مصادیق طلاق مستحب تمثیلی است. بر این اساس می‌توان گفت: در همه مواردی که زوجیت کارکرد خود را از دست داده و امیدی به اصلاح میان زوجین نباشد، بهتر است زوجین از یکدیگر جدا شوند. در این وضعیت اغلب زوجین دچار طلاق عاطفی هستند و طولانی شدن این دوره، برای هردو زیان‌بار است. به همین دلیل، اگر امیدی به سازش نیست بهتر است در فرایند طلاق شتاب شود. نگارنده معتقد است طلاق عاطفی زیان‌بارتر از طلاق حقوقی است؛ زیرا در طلاق حقوقی، زن و شوهر پس از جدایی، زندگی تازه‌ای را آغاز خواهند کرد. در حالی که در طلاق عاطفی، علقه زوجیت ثابت است، ولی روابط جنسی و عاطفی زوجین از بین رفته است. طلاق عاطفی زمینه خشونت و همسر آزاری را افزایش می‌دهد و احتمال دارد که زوجین به روابط فرا زناشویی گرایش پیدا کنند. طلاق عاطفی برای بانوان زیان‌بارتر است؛ زیرا از نظر شرعی و قانونی نمی‌توانند در این مدت از طریق همسر دوم، نیازهای عاطفی و جنسی خود را به روش مشروع و قانونی تأمین نمایند، به همین دلیل در صورت طولانی شدن وضعیت طلاق عاطفی، بیم آن می‌رود که به گناه آلوده شوند. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، آنان در وضعیت طلاق عاطفی دچار تنگناهای روحی خواهند شد. در این قبیل موارد تسریع در طلاق ضروری است.

لازم به ذکر است مطابق ماده ۴۵ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده، پرداخت هزینه مشاوره مطابق با تعرفه بر عهده خواهان می‌باشد و در طلاق‌های توافقی بر عهده زوجین است؛ بنابراین، ارجاع زوجین به مشاوره باعث تحمیل هزینه‌ی اقتصادی به آنان خواهد شد. به دیگر سخن با وجود توافق طرفین بر طلاق و وجود قرائن اطمینان‌آوری مبنی بر لزوم طلاق یا تسریع در آن، اجبار به مشاوره برخلاف مصلحت و برخلاف موازین شرعی است.

ج. طلاق غیابی

در طلاق‌های غیابی، امکان مشاوره وجود ندارد؛ مانند وقتی که شوهر زندگی زناشویی را ترک کرده و محل اقامت وی نامشخص است؛ در این صورت همسرش به استناد بند هشتم شرط وکالت در طلاق به صورت غیابی دادخواست طلاق می‌دهد.^۲ همچنین ممکن است مردی مقیم خارج از کشور بوده و از طریق وکیل خود دادخواست طلاق را به ظرفیت همسرش به جریان می‌اندازد؛

۱- زین الدین بن علی عاملی (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۹، ص ۱۱۹؛ محسن فیض کاشانی، مفاتیح الشرائع، ج ۲، ص ۳۱۲.

۲- متن بند ۸ شرط وکالت در طلاق مندرج سند رسمی نکاحیه چنین آمده است: «اگر زوج زندگی خانوادگی را بدون عذر موجه ترک کند؛ تشخیص ترک زندگی خانوادگی و تشخیص عذر موجه با دادگاه است.»

در این قبیل موارد، مشاوره زوجین مقدور نیست و اطلاق قانون از این جهت نادرست می‌باشد و انتظار می‌رود مواردی به عنوان استثنا مشخص شود.

۲-۲-۱-۲- مشاوران غیرانتخابی (تعیینی)

در دعوی طلاق توافقی، دادگاه مراجعین را تعیینی یا غیرانتخابی به مرکز مشاوره ارجاع می‌دهد و زوجین حق ندارند مرکز مشاوره یا مشاور موردنظر خود را انتخاب کنند. همان‌طور که قبلاً تشریح گردید، دادگاه باید زوجین متقاضی طلاق را به مراکز مشاوره زیر نظر قوه قضائیه که در کنار دادگاه خانواده تشکیل می‌شوند ارجاع دهد. البته، در صورتی که در حوزه قضایی، بیش از یک مرکز مشاوره زیر نظر قوه قضائیه وجود داشته باشد، حق انتخاب برای زوجین محفوظ است؛ بنابراین، دادگاه نمی‌تواند به سلیقه خود، زوجین را به مراکز مشاوره زیر نظر سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور ارجاع دهد. همچنین زوجین حق ندارند مشاوران زیر نظر سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور را بر اساس اصل اعتماد و توانایی انتخاب نمایند. در حوزه‌های قضایی، مراکز مشاوره حقیقی و حقوقی مختلفی فعالیت می‌کنند که ممکن است بعضی از آنها به لحاظ دانش و تجربه، بر مراکز زیر نظر قوه قضائیه ترجیح داشته باشند. بدیهی است، ارجاع پرونده طلاق به این قبیل مراکز، شانس سازش را افزایش می‌دهد.

ممکن است گفته شود: مطابق ماده ۸ قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱)، «رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود». مطابق این قانون، دادگاه خانواده از محدودیت‌های آیین دادرسی معاف است و مخیر است به ترتیبی که خود صلاح می‌داند اقدام نماید؛ بنابراین، اگر دادگاه تشخیص دهد، مراکز مشاوره سازمان نظام روان‌شناسی مناسب‌تر از مراکز زیر نظر دادگستری است، نظیر اینکه در جریان مشکلات زوجین قرار دارد یا تخصص و تجربه بیشتری دارد، می‌تواند پرونده طلاق را به همین مراکز ارجاع دهد.

نتیجه‌گیری

۱. مشاوره در شریعت اسلامی مستحب است و در شرایط عادی موضوع الزامات قانونی قرار نمی‌گیرد. الزام به مشاوره در مورد طلاق‌های توافقی که در قانون حمایت خانواده مطرح شده است، مبتنی بر عنوان ثانوی «ضرورت» یا «مصلحت» در راستای حفظ نهاد خانواده است.
۲. از نظر فقهی، طلاق به حرام، مکروه، مستحب و واجب تقسیم می‌گردد؛ بنابراین، تلاش برای پیشگیری یا به تأخیر انداختن طلاق واجب یا مستحب غیرموجه و برخلاف مصلحت است. در نتیجه، اطلاق قانون کنونی در لزوم ارجاع طلاق‌های توافقی به صورت کلی مشروع نمی‌باشد.

۳. در قوانین کنونی برای مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده، کارکردهای مهم اصلاحی، کارشناسی، مددکاری و درمانی پیش‌بینی شده است. در حالی که شرایط علمی، تجربی و اخلاقی پیش‌بینی شده برای اعضای مراکز مزبور با کارکردهای آن مطابقت ندارد. از سوی دیگر، مشاوره در قانون فعلی غیر اختیاری و کارشناسان آن غیرانتخابی هستند. به همین دلیل، در کارآمدی مراکز فوق تردید وجود دارد.

منابع

- ◀ قرآن کریم.
- ◀ ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ◀ ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۴). النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق طاهر احمد الزاوی، محمود محمد طناحی، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- ◀ ابن شعبه حرانی، (۱۴۰۴ ق). حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی.
- ◀ ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، بیروت، دارالفکر.
- ◀ اراکی، محسن، (۱۴۲۵ ق). نظریه‌ی حکم فی الإسلام، مجمع اندیشه اسلامی، قم، چ اول.
- ◀ آخوند خراسانی، محمدکاظم، (۱۴۰۶ ق). حاشیة المکاسب، وزارت إرشاد اسلامی، چ اول.
- ◀ آقا بخشی، علی (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار.
- ◀ آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ◀ بابایی، داریوش و انصاری، مسعود، (۱۳۹۵). بررسی و نقش مراکز مشاوره‌ی خانوادگی در حقوق ایران با لحاظ قانون جدید حمایت خانواده، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ش ۴.
- ◀ بجنوردی، سید محمدحسن، (۱۴۱۹ ق). القواعد الفقهیة، نشر الهادی، الطبعة الأولى، قم.
- ◀ برقی، احمد بن محمد، (۱۳۷۰). المحاسن، تحقیق سید جلال‌الدین حسینی، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- ◀ تستری، سهل بن عبدالله، (۱۴۲۳ ق). تفسیر التستری، تحقیق محمد باسل، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ◀ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول.
- ◀ جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸). ولایت فقیه؛ ولایت فقاها و عدالت، تنظیم و ویرایش: حجت‌الاسلام محمد محرابی، مرکز نشر اسراء، چ اول، قم.
- ◀ جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق احمد عبدالغفور

- عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.
- ◀ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث،
- ◀ حکیم، سید محمد تقی، (۱۴۱۸ ق). الاصول العامّة للفقّه المقارن، المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام، الطبعة الثانية، قم.
- ◀ حلوانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۸ ق). نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، قم، مدرسه الإمام المهدي (عج)، چ اول.
- ◀ خاتم یزدی، سید عباس، (۱۳۷۸). فقه اهل بیت (ع)، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ش ۱۹-۲۰.
- ◀ خوئی، سید محمد تقی، (۱۴۱۴ ق). الشروط أو الالتزامات التبعية فی العقود، دار المؤرخ العربی، الطبعة الاولى، بیروت.
- ◀ دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). لغت نامه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ دوم از دوره جدید، تهران.
- ◀ دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۰۸ ق). أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ اول.
- ◀ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم.
- ◀ زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی، (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر.
- ◀ سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۱۳ ق). مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، تحقیق مؤسسه المنار، قم، دفتر آیت الله سبزواری.
- ◀ شریفی خضارتی، امیر، (۱۳۹۰). انحرافات جنسی، تهران، اندیشه عصر، چ دوم.
- ◀ شکری، مجتبی، (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی ناشی از مشاوره های زیان بار مشاوران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه پیام نور.
- ◀ شهید اول، محمد بن مکی عاملی، القواعد و الفوائد، کتاب فروشی مفید، قم، اول، بی تا.
- ◀ شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، (۱۴۱۳ ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة...
- ◀ صدر، سید محمد، (۱۴۲۰ ق). ماوراء الفقه، بیروت، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، چ اول.
- ◀ طباطبائی حائری، سید محمد مجاهد، (۱۲۹۶ ق). القواعد و الفوائد و الاجتهاد و التقليد (مفاتیح الأصول)، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ اول.
- ◀ طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۰۹ ق). العروة الوثقی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ◀ طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر اسلامی.

- ◀ طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ ق). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق عده‌ای از محققین، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی.
- ◀ طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق). جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة.
- ◀ طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ ش). مجمع‌البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، المكتبة المرتضوية.
- ◀ علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ ق). قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم، نشر اسلامی.
- ◀ غزالی، محمد ابو حامد، (۱۴۱۷ ق). المستصفی، دار الکتب العلمیة، بیروت،
- ◀ فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ◀ فدراسیون بین‌المللی مددکاران اجتماعی - (https://www.ifsw.org/what-is-social-work/global-definition-of-social-work)، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۴/۱.
- ◀ فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق). العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم، مؤسسه دارالهجرة.
- ◀ فیض کاشانی، محسن بن مرتضی، مفاتیح الشرائع، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، چاپ اول، بی‌تا.
- ◀ فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۰۵ ق). المصباح المنیر، قم، دارالهجرة.
- ◀ قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳). تفسیر القمی، قم، دار الکتب، چ سوم.
- ◀ کراجکی، محمد بن علی، (۱۴۱۰ ق) کنز الفوائد، قم، دارالذخائر، چ اول.
- ◀ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، (۱۴۰۷ ق). دار الکتب الإسلامیة، تهران، چ چهارم.
- ◀ مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ◀ محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۲۳ ق). معارج الاصول، مؤسسه آل‌البيت، الطبعة الاولى، قم.
- ◀ مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ◀ معینی، صغرا، (۱۳۷۰). فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان، وزارت کشاورزی، تهران.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- ◀ ----- (۱۴۲۲ ق). بحوث فقهیة هامه، قم، مدرسة الامام علی بن ابی طالب (ع).
- ◀ موسوی خمینی، سیدروح‌الله، (۱۴۲۱ ق). کتاب‌البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران، چ اول.
- ◀ ----- (بی‌تا). تحریر الوسيلة، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، چ اول.
- ◀ ----- (۱۳۷۰). صحیفه نور، سازمان فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران.
- ◀ ----- (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- ◀ نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ هفتم.
- ◀ نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۷ ق). عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول.
- ◀ واسطی، علی بن محمد لیثی، (۱۳۷۶ ق). عیون الحکم و المواعظ، قم، دار الحدیث، چ اول.
- ◀ هالجین، ریچارد پی و دیتبورن، سوزان کراس، (۱۳۹۱). آسیب شناسی روانی (مترجم: یحیی سید محمدی)، تهران، نشر روان، چ یازدهم.
- ◀ هدایت نیا، فرج الله، (۱۳۹۲). عناوین ثانوی و حقوق خانواده، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول.
- ◀ ----- (۱۳۹۵). طرح تلفیق داوری و مشاوره در دادگاه خانواده، فصلنامه علمی - ترویجی دین و قانون، مرکز تحقیقات فقهی مجلس شورای اسلامی، ش ۱۳.
- ◀ ----- (۱۴۰۰). طراحی نظام جامع حمایت خانواده، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- ◀ ----- (۱۳۹۸). داوری قراردادی در حقوق خانواده، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۲، ش ۸۶.
- Richard P. Halgin and Susan Krauss Whitbourne, *Abnormal Psychology: Clinical Perspectives on Psychological Disorders*, p. 228.